



تحلیل آراء نئولیبرالیسم ها در خصوص حمله به آموزش عالی با تأکید بر آراء ژيرو

دکتر عباس شکاری^۱، زهرامحمد صالحی^۲، آمنه ابولقاسم^۳

چکیده

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی تحلیلی آراء نئولیبرالیسم ها در خصوص حمله به آموزش عمومی و عالی با تأکید بر آراء ژيرو می باشد. برای دست یابی به این هدف از روش توصیفی - اسنادی بهره گرفته شده است. ژيرو به عنوان یک نظریه پرداز معاصر انتقاداتی بر ایدئولوژی نئولیبرال وارد کرده است. او نئولیبرالیسم را حمله به آموزش عالی و عمومی می داند و آن را تهدیدی برای اخلاق و تربیت اخلاقی می داند. دولت نئولیبرال می خواهد نقش انتقادی آموزش عالی را در تمام سطوح حذف کند بنابراین نگرانی ژيرو این است که دانش آموزان ما در معرض نوعی شهروند قراردادی قرار گیرند و از سیاست دور نگه داشته شوند. همچنین ژيرو بر نقش حساس معلم به عنوان اندیشمند تحول آفرین تأکید می کند. زیرا می تواند دانش آموزان را به گونه ای بار آورد که بتوانند تفکر انتقادی داشته باشند و در مسؤلیت های شخصی و اجتماعی آینده خود سهیم باشند.

کلمات کلیدی: نئولیبرالیسم، آموزش عمومی و عالی، تفکر انتقادی، آموزش و پرورش، دموکراسی، انجمن های علمی

مقدمه

در سال های اخیر تعلیم و تربیت در کشورهای مختلف جهان تحت تأثیر ایدئولوژی هایی قرار گرفته که هر کدام گفتمان نوینی را بر تربیت حاکم کرده اند و در پرتوی آن، معنای تعلیم و تربیت اخلاقی دچار تحول شده است. نکته قابل توجه آن است که ایدئولوژی ها در معنای امروزی آن متضمن تصویری از انسان مطلوب هستند و تمایل دارند تصویر جامعه و انسان آرمانی خود را در عمل نیز پیاده نمایند و برای تحقق بخشیدن به این آرمان از اهرم های مختلف از جمله آموزش و پرورش کمک بگیرند (نیک نشان، شقایق و همکاران، ۱۳۹۱). دولت نئولیبرال بر خلاف ادعای ظاهری اش مبنی بر آزادی و عدم مداخله، گرایش به دولتی اقتدار گرا دارد. این دولت اقتدار گرا به روش های غیر مستقیم به کنترل اجتماع می پردازد. متفکران تعلیم و تربیت انتقادی روند این اصلاحات تربیتی

۱. دانشگاه کاشان، گروه علوم تربیتی، کاشان، ایران. shekarey@kashanu.ac.ir

۲. دانشگاه کاشان، گروه روان شناسی تربیتی، کاشان، ایران. mohammadsalehi.1146@gmail.com

۳. دانشگاه کاشان، گروه روان شناسی، کاشان، ایران. a.aboulghasem71@yahoo.com



را به چالش کشیده اند و معتقدند این سیاست ها باعث افزایش نابرابری های اجتماعی و اقتصادی می شوند (ساندلین و مک لارن، ۲۰۰۹). این در حالی است که مخالفان نئولیبرالیسم آن را تهدیدی برای اخلاق و تربیت اخلاقی می دانند و معتقدند که کارگزاران تربیتی باید به احیای اخلاق در تربیت بپردازند (ژیرو، ۲۰۰۴). هدف این مقاله تحلیل آراء نئولیبرالیسم ها در خصوص حمله به نظام های آموزشی با تأکید بر آراء ژیرومی باشد. مسئله اساسی این است که آزادی خواهان جدید در حوزه فلسفه تعلیم و تربیت چه عقایدی در مورد آموزش و پرورش عمومی و آموزش عالی دارند و ویژگی های آموزش و پرورش عمومی و آموزش عالی را چه می دانند؟ همچنین در این مقاله حملاتی که ژيرو از طریق نئولیبرالیسم به آموزش و پرورش عمومی و آموزش عالی وارد کرده است و اهمیت نقش کارگزاران تربیتی را مورد تجزیه و تحلیل و نقد قرار داده است.

مبانی نظری

از دیدگاه فرانکنا، تعلیم و تربیت در ماهیت خود فعالیت اخلاقی است (بورو و وودس، ۲۰۰۷؛ به نقل از محمدی وزیبا کلام، ۱۳۹۳). بنابراین تربیت همواره نیازمند داوری اخلاقی است. از نظر تاریخی می توان گفت که نیومن به عنوان یکی از طرفداران مکتب لیبرال می باشد که تا حد زیادی در باب آموزش و پرورش متأثر از افلاطون و ارسطو بود. نیومن هدف از تحصیل را بویژه تحصیلات دانشگاهی، کسب نگرش فراگیر درباره حقیقت می دانست (مفرد، ۱۹۹۳، ص ۱۳۶؛ به نقل از زیبا کلام، فاطمه، ۱۳۷۹) نیومن کسب دانش را فقط در راه رسیدن به رفاه مادی یا سود آوری جایز نمی داند چون معتقد بود تعلیم و تربیتی که صرفاً در جهت سود آوری مادی باشد می تواند به ابزاری خطرناک مبدل شود (چدیک، ۱۹۸۲ به نقل از زیبا کلام، ۱۳۷۹). از نظر هرست منشأ اصلی ارزشمندی آموزش و پرورش، کسب اشکال گوناگون دانش است آموزش باید مبتنی بر اهمیت دانش باشد نه بر اساس نیازهای موجود جامعه یا هوس های سیاست مداران (هرست ۱۹۶۵ ص ۱۱۱؛ به نقل از زیبا کلام، ۱۳۷۹). در این سیر تاریخی، نئولیبرالیسم یکی از مهمترین ایدئولوژی هایی است که در دهه های اخیر توانسته بر سبک تفکر تربیتی تأثیر عمیقی بگذارد. نئولیبرالیسم بویژه در دو دهه اخیر توانسته است در غیاب رقیبان قدرتمند سنتی اش به سرعت همه عرصه های خصوصی و اجتماعی جامعه آمریکا را درنوردد. نئولیبرالیسم کنش دولت را همچون محرکی مد نظر قرار می دهد با هدف ایجاد امکان برای افراد تا آن چیزی بشوند که باید: یعنی افرادی بشوند رقابتی که حداکثر اطلاعات را در مورد بازار در اختیار دارد. یکی از مهمترین تأثیرات نئولیبرالیسم بر تعلیم و تربیت، تأکید بر نخبه گرایی می باشد. مربیان و دست اندرکاران نئولیبرال معتقدند که افراد با هوش بالا اخلاقی ترند، و نسبت به کارشان متعهدترند و از تجربه های خود به سود جامعه استفاده می کنند لذا تربیت آنان اولویت دارد. از این رو، برنامه درسی و آموزش و پرورش دو هدف متفاوت را دنبال می کنند افراد با هوش بالا



باید برای رهبری ملت تربیت شوند اما توده مردم باید یاد بگیرند مطابق با استانداردها و قواعد رفتاری عمل کنند (اپل، ۲۰۰۴). در منطق نئولیبرالیسم، نهادهای اجتماعی زمانی بهترین کارایی را دارند که از سازوکارها و قوانین خود انگیخته بازارهای آزاد اقتصادی و شرکت های تجاری پیروی کنند (بوکانان، ۱۹۷۸). که با این وجود مدرسه و دانشگاه همانند شرکت هایی هستند که تربیت را به عنوان کالا عرضه می کنند. در تجاری سازی تربیت، افراد در رقابت با دیگران برای بهره مندی از کالاهای تربیتی رقابت می کنند مبنای برخورداری هر فرد از تعلیم و تربیت، میزان سرمایه اوست؛ زیرا در فرایند خصوصی سازی، دولت مسؤلیت تربیت را به نهاد های خصوصی واگذار می کند. افراد برای بهره مندی از تعلیم و تربیت مجبور به پرداخت شهریه هستند. بنابراین میزان برخورداری از تربیت و نتایج حاصل از آن (مانند فرصت اشتغال) به سرمایه افراد بستگی دارد (ژیرو، ۲۰۰۴). در نتیجه با پیدایش نئولیبرالیسم، بازاری شدن آموزش و پرورش در حیطه آموزش عالی نیز راه یافت.

مروری بر پیشینه های تحقیق

تأییراتی که نئولیبرالیسم بر عناصر آموزش عالی دارد شامل:

الف) تأثیر نئولیبرال بر دنیای استادان: گسترش عقلانیت اقتصادی نئولیبرال در آموزش عالی سبب تغییر نقش استاد درون کلاس درس شده است (ژیرو، ۲۰۰۴). استادان طرفدار نئولیبرالیسم به نحوی نظام مند، اختلاف عقیده و انتقاد را در کلاس خاموش نموده و یک فضای یادگیری عقیم را تقویت می کنند (اپل، ۲۰۰۱).

ب) دانشجویان در دنیای نئولیبرال: تبدیل شدن دانشجویان از دانشجویان به خریدار و مصرف کننده (اپل، ۲۰۰۴). در یک دنیای نئولیبرال اولین هویت دانشجویان، خریدار آموزش است (نیوسون، ۲۰۰۴)؛ به نقل از نیک نشان و همکاران، (۱۳۹۱).

ج) برنامه درسی در دنیای نئولیبرال: بر اساس رابطه مصرف گرایی دانشجویان و دانشگاه، برنامه درسی دیگر یک سند هدایت کننده دره ای نیست که می تواند و باید به وسیله دانشجویان تغییر کند تا با چالش های آکادمیک و علمی سازگار شود، بلکه برنامه درسی کالاهای از پیش تعیین شده ای هستند که دانشجویان مختار آنها را انتخاب می کنند. و لیست انتخاب واحد و ثبت نام همانند سبد خرید دانشجویان تصور می شود (لویدو، ۲۰۰۵)؛ به نقل از نیک نشان و همکاران، (۱۳۹۱).

د) ایدئولوژی نئولیبرال و انتخاب کالج و دانشگاه: ویژگی بازاری بودن آموزش عالی، نوعی تغییر جهت در انگیزه ها و اهداف دانشجویان برای کالج و و دلیل ورود آنها را به وجود آورده است (نیک نشان، شقایق و همکاران، ۱۳۹۱). یکی از مهمترین تأثیرات ایدئولوژی نئولیبرال بر آموزش عالی را میتوان در کاهش اختصاصی بودجه به علوم انسانی و هنر به نفع علوم و رشته هایی دانست که بیشتر با نیازهای بازار کار و تطابق دارن (اسلاتر، ۱۹۸۸)؛ به نقل



از نیک نشان و همکاران، (۱۳۹۱).

روش پژوهش

برای دست یابی به این هدف از روش توصیفی - اسنادی بهره گرفته شده است.

یافته ها (بحث و بررسی)

تعلیم و تربیت ژيرو يك نوع تعلیم و تربیت چند فرهنگ گراست که اقلیت های قومی و نژادی و جنسی را مورد حمایت قرار می دهد و از نظر تربیتی درصدد ایجاد یک اجتماع مردم گرای مساوات خواه است و سعی می کند تعلیم و تربیت را به عنوان بزرگ ترین محافظ فرهنگی گذشته مطرح کند و معلم را به عنوان شهروندان منتقد در مدرسه می داند که هدف های غایی تعلیم و تربیت آن رسیدن به قوه نقد و تفسیر و شهروندی دموکراتیک و تکثر گراست (شکاری و دیگران، ۱۳۹۲).

نگرانی ژيرو در مورد آموزش عمومی و عالی

ژيرو در کتاب جنگ نئولیبرالیسم در مورد آموزش عالی پدیده گسترده نئولیبرالیسم را به عنوان یک حالت کلیدی در نظارت و طرز حکومت شناسایی کرد و ایدئولوژی آموزش و پرورش عمومی را مورد تهدید قرار داد. بنا به نظر ژيرو آموزش عالی و عمومی بنا به دلایلی تحت محاصره در جوامع نئولیبرال است. آنها تحت حمله هستند، چون عمومی هستند نه اینکه ضرورتاً چون آنها در حال شکست خوردن هستند. آنها آموزش و پرورش و حالتهای تفکر انتقادی را پیشنهاد دادند. زیرا آنها نه تنها شرایط را پیشنهاد می کردند برای اینکه دانش آموزان را القا کنند تا خودشان فکر کنند و به طور انتقادی متعهد و مسؤل شوند، بلکه به آنها نیرویی می دهند تا هر آنچه را که یاد گرفته اند به هم متصل کنند. بر اساس نظر ژيرو نئولیبرال ها آموزش عالی را برای عموم مردم خطرناک تلقی می کنند. زیرا در این صورت امکان صحبت کردن چیزهای ناگفتنی، فاش کردن تفکرات انتقادی، تولید رأی مخالف و بار آوردن دانش آموزان راغب برای اینکه نیروی قابل توضیح را می پرورد. از سوی دیگر فرستاده های نئولیبرالیسم می خواهند نقش انتقادی آموزش عالی در تمام سطوح رفع و حذف کنند و آنها سخت کار می کنند تا این سازمان ها را به کارخانه غیر قابل تخیل و ابتکار شکل دهند. ژيرو: بزرگ ترین ترس من این است که دانش آموزان بیشتر و بیشتری زیر بدهی و ترس طاقت فرسایی تقلا می کنند که در معرض نوعی شهروند قراردادی همراه با آموزش و پرورش کاملاً ابزاری که از سیاست دور نگه داشته شده است. آنها کمتر و کمتر علاقه مند خواهند بود تا خودشان را به عنوان عوامل فردی و اجتماعی تعریف کنند. جوانان ساکن مناطق سختی، رنج،



هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران

فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی

دانشگاه شیراز

۳۰ و ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۵



محرومیت و بیکاری به طور فزاینده ای در ترس زندگی می کنند چون آنها تلاش می کنند برای نجات دادن اوضاع اجتماعی و ویژگی های دولت های قدرت طلب نسبت به دولتهای دموکراتیک. در واقع به نظر می رسد بسیاری از جوانان در سراسر جهان گرفتار یک وب سایت شوم فقر اخلاقی و ساخته شده توسط یک دولت ی شوند. که بد گمانی، تعصب، حالت خشونت مخرب در آن مبادله می شود. دموکراسی ویژگی خود را به عنوان عامل در هم گسیخته و نفاق افکن از دست داده است. دموکراسی رو به انحطاط گذارده شده و پیکربندی دوباره آن به عنوان یک نیرو برای مالی کردن همه تاملات اخلاقی و معنوی است. آنچه باقی می ماند نوع جدیدی از قدرت طلبی و سیاست زدایی افراد است که به طور ریا شونده ای در معرض رژیم های حریص، سلب مالکیت و ترس به هنجار شده است. این دوران تاریک که در حال حاضر جوامع بیشتر و بیشتری را به سمت شکل تجاری از نئولیبرالیسم رو به جلو می برد. آموزش عالی و عمومی برای به دست آوردن قدرت خود نیازمند زبان و استراتژی های جدید سیاسی هستند:

اول: معلم ها، مربی ها و دیگران نیازمند این هستند که کشف کنند که چگونه از شور و نشاط عمومی آموزش عمومی و عالی به عنوان یک کالای عمومی و دموکراتیک دفاع کنند. با توجه به حمله جهانی در همه سطوح آموزش و پرورش، برای اساتید، دانش جویان و سایر افراد جامعه سخن گفتن بسیار مهم است. زیرا در شکل گیری یک فرهنگ سازنده و آموزش جوانان به تفکر انتقادی و جنگیدن برای گسترش دادن عهدهای دموکراسی متکی به خود، لازم است.

دوم: اینکه شرایط مطلوب و بهینه برای مربی ها، هنرمندان، طرفداران عمل و سایر کارگزاران فرهنگی برای انجام دادن کارهایشان در سبک خود مختار و انتقادی فراهم گردد .

سوم: چگونه ما نقش و هدف آموزش و پرورش را نشان می دهیم. دانش آموزان و یادگیرندگان باید شهروندان انتقادی و بطور اجتماعی عوامل معتبر و مسؤل رفتار کنند. نه اینکه به عنوان کالاهای مصرفی و مصرف کننده رفتار کنند. روش های آموزش وابسته به علم و فن آموزش و پرورش موقعیت هایی برای دانش آموزان فراهم کنند تا خودشان فکر کنند و تفکر انتقادی داشته باشند. درباره خودشان و روابطشان با دیگران خودآگاهی داشته باشند. و اطلاعاتی درباره رابطه شان با دنیای بزرگ تر داشته باشند. در تعلیم و تربیتی با این مفهوم نه تنها تلاش و شایستگی روشنفکرانه و ذهنی مهمی را آماده می کنند بلکه آن مردم را توانا می سازند تا به طور مؤثر و کارکردی در جوامعی که زندگی می کنند عمل کنند. این تعلیم و تربیتی است که هم الهام می بخشد و انرژی می دهد به وسیله معنادار کردن دانش به خاطر اینکه هم انتقالی و هم قابل تغییر و تبدیل شود. در نهایت حمله به آموزش و پرورش عمومی و عالی باید درک شود به عنوان بخشی از یک حمله سیستماتیک توسط نئولیبرالیسم بر روی تمام کالاهای عمومی و سازمانهایی که منافع نظامی و صنعتی دولت را رفع می کنند.



نقش روشنفکران، خردمندان و انجمن های علمی در تولید بحث و تفکر انتقادی

نقش روشنفکران، خردمندان و انجمن های علمی کسانی که پژوهشگری و تحقیقاتشان را به موضوعات مهم عمومی متصل کرده اند نقش مهمی در تولید بحث و تفکر انتقادی بازی می کنند. نئولیبرالیسم سعی می کند جامعه مرده را بوجد آورد. چیزی تولید می کند که بخش های مرده تخیل نامیده می شود. این موضوع هم یک چالش سیاسی و هم آموزشی و تربیتی برای انجمن های علمی است (مک لین، ۲۰۱۵). ژيرو بر نقش حساس معلم به عنوان اندیشمند تحول آفرین که وظیفه اش کمک به دانش آموزان در بر عهده گرفتن مسؤلیت شخصی و اجتماعی برای آینده است را تأکید می کند. مریبان باید به دانش آموزان فرصت دهند تا ظرفیت انتقادی خود را برای مبارزه و تغییر صور سیاسی و اجتماعی موجود به جای سازگاری صرف گسترش دهند و دانش آموزان را به مهارت هایی مجهز کنند که بر اساس آن خود را در تاریخ جای داده، صدای خود را بیانند و عقاید و همدردی های ضروری را برای اعمال شجاعت مدنی تقویت نمایند. برای این منظور باید از انتقال محض دانش فراتر رفت و به جایگاهی فعال در باب امکانات و دیگر جهت گیری های آینده دست یافت (شکاری و همکاران، ۱۳۹۳). باید باور داشت که موضوعات عدالت و دموکراسی برای جنگیدن ارزشمند هستند هم در کلاس و هم در جامعه بزرگتر. هم اکنون زمان آن فرا رسیده است که انجمن های علمی برای گسترش و پرورش دادن زبان سیاسی تکنیک های آموزشی قابل تغییر به فهم انتقادی، ارزش های مدنی و اجتماعی و سازمانهایی که آنها را حمایت می کنند، را در مرکز قرار دهند. برای روح بخشیدن و مستحکم کردن عصر تاریخی جدید انجمن های علمی می توانند متعهد شوند که نه تنها از تلاش و کار خود دفاع می کنند بلکه برای ملت بزرگتری روشن کنند که چرا آموزش و پرورش مرکزی و مهم است؟

برای نبرد و تلاش و مجاهدت برای دموکراسی متکی به خود. انجمن های علمی می توانند نقش حیاتی و اساسی داشته باشند در کمک کردن به ملت های گسترده تری تا تشخیص دهند که حمله به آموزش عالی نمی تواند به طور کامل بیرون از حمله به رفاه ملت، مقررات و پیش بینی های اجتماعی، خدمتگزاران مردم و حوزه های عمومی دموکراتیک فهمیده و درک شود. به صورت قانون در آوردن و حمایت کردن از فرهنگ سؤال پرسیدن، و توانا ساختن فرهنگی زنده و انتقادی که نه تنها موجب ترقی کردن قوه تخیل است بلکه موجب ترقی چیزهایی است که کریستین آن را لحظه های خوبی و جذابیت کلاس درس می نامد. تربیت و پرورش خوبی و جذابیت کلاس درس به دانش آموزان این اجازه را می دهد که به صورت انتقادی به فهم جهان بپردازند. و شروع به سؤال پرسیدن کنند هرچند که به مشکل برخوردند. تربیت و پرورش است که سؤال می کند که چرا ما جنگ داریم؟ به دلیل نابرابری کلان، نظارت دولت، قیمت گذاری کردن همه چیز و دچار سقوط و فروپاشی شدن از حالت عمومی به خصوصی (مک لین، ۲۰۱۵).



بحث و نتیجه گیری

نئولیبرالیسم یکی از مهمترین ایدئولوژی‌هایی است که در دهه های اخیر توانسته بر سبک تفکر تربیتی تأثیر عمیقی بگذارد. یکی از مهمترین تأثیرات نئولیبرالیسم بر تعلیم و تربیت، تأکید بر نخبه گرایی می باشد. تجاری سازی تعلیم و تربیت یکی دیگر از اهداف نئولیبرال ها می باشد. در حقیقت تربیت یکی از ابزارهای مهم برای نئولیبرالیسم است که از طریق آن سعی می کند ارزش های اجتماعی و فردی خود را بر افکار جامعه مسلط کند. نئولیبرالیسم می خواهند نقش انتقادی آموزش عالی در تمام سطوح رفع و حذف کنند. ژيرو آموزش و پرورش را در خطر می داند. آموزش و پرورش عمومی و آموزش عالی را تحت محاصره جوامع نئولیبرال میداند و نگران است که دانش آموزان ما به شهروندان قراردادی تبدیل شوند. ژيرو معتقد است که برای مقابله با این شرایط باید: (۱) معلم ها و مربی ها کشف کنند که چگونه از شور و نشاط آموزش عالی و عمومی دفاع کنند. (۲) شرایط مطلوبی برای معلم ها و مربیان و کارگزاران تربیتی فراهم گردد که بتوانند به صورت انتقادی عمل کنند. (۳) نقش و هدف آموزش و پرورش را روشن و واضح کنیم. با توجه به آنچه گفته شد تعلیم و تربیت از نظر ژيرو به خودی خود روندی سیاسی دارد. بنابراین، باید به مدارس به عنوان حوزه های عمومی دموکراتیک نگرست که نوعی آموزش و پرورش گفتگو محور به عنوان روش تربیتی بر آن حاکم است و موجب می شود روابط بین فردی و بین گروهی بر اساس صمیمیت شکل بگیرد. اندیشه های تعلیم و تربیت باید منجر به پرورش شهروندان منتقد شود و در آموزش از انتقال محض دانش فراتر رفت و معلمان را به عنوان روشنفکران جامعه و تحول آفرین محسوب کرد. نظر ژيرو این است که ما باید فکر کنیم که دانش ما چگونه شکل می گیرد. و تربیت جامعه انتقادی برای او اهمیت زیادی دارد.

Abstract

Giroux who is a contemporary theorist has criticized the neo-liberal ideology. The main objective of this study is to analyze neo-liberalisms' ideas about their attack to public education and higher education with an emphasis on Giroux ideas. It is used of descriptive- documentary method to reach this object. Results showed that he believes the neo-liberalism attacks to higher and public education and assumes it as a threat to morality and moral education. Neoliberal government wants to remove critical role of higher education at all levels. As a result, Giroux concern is that our students are exposed to a and be kept away from politics. Giroux also emphasizes on the important role of teachers as transformative intellectual, because he/she can train students so that they can have critical thoughts and to be shared in the personal and social responsibilities in the future.

Keywords: neo-liberalism, general and higher education, critical thoughts, education and training, democracy, scientific societies



منابع

- زیبا کلام، فاطمه (۱۳۷۹). فلسفه آموزش و پرورش از دیدگاه جان هنری نیومن . مجله روان شناسی تربیتی، (۲)۵، ۱۶۱-۱۸۱.
- شکاری، عباس؛ احمدآبادی آرانی، نجمه؛ فتاحی، ندا (۱۳۹۳). تعلیم تربیت مرزی با تأکید بر دلالت های تربیتی هنری ژيرو در تحولات تربیتی. پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۴(۱)، ۱۵۰-۱۳۱
- محمدی، حمدالله؛ زیبا کلام، فاطمه (۱۳۹۳). نئولیبرالیسم و تجاری سازی تربیت چالشی فرا روی تربیت اخلاقی، پژوهش نام مبانی تعلیم و تربیت، ۴(۲)، ۱۱۶-۹۵
- نیک نشان، شقایق؛ لیاقت دار، محمد جواد؛ بختیار نصرآبادی، حسن علی؛ پاک سرشت، محمد جعفر (۱۳۹۱). ایدئولوژی مبنایی برای عملکرد آموزش و پرورش: مقایسه پیامدهای ایدئولوژی لیبرال دموکراسی و نئولیبرالیسم بر تعلیم و تربیت در کشور های غربی. پژوهش نامه مبانی تعلیم و تربیت، ۱۲، ۲، ۵-۲۶.
- Apple, M. W. (2004). Ideology and Curriculum. New York: RoutledgeFalmer. *Identity, Community, and Diversity*, 195.
- Giroux, H. A. (2004). Critical pedagogy and the postmodern/modern divide: Towards a pedagogy of democratization. *Teacher Education Quarterly*, 31(1), 31-47.
- Giroux, H. A., & Giroux, S. S. (2004). Take back higher education: Race, youth, and the crisis of democracy in the post-civil rights era. Macmillan.
- McLean, H. (2015). Neoliberalism and the Attack on Education: An Interview with Henry A. Giroux. *Alternate Routes: A Journal of Critical Social Research*, 26.
- Sandlin, J. A., & McLaren, P. (Eds.). (2009). *Critical Pedagogies of Consumption: Living and Learning in the Shadow of the "shopocalypse"*. Routledge.
- Buchanan, J. M. (1984). Politics without romance: A sketch of positive public choice theory and its normative implications. *The theory of public choice II*, 11-22.